

# چرا باید تحلیل تکنیکال را بیاموزید؟

## ابتدا بگذارید کمی درباره مبانی تحلیل تکنیکال توضیح دهیم.

تحلیل تکنیکال مطالعه رفتارهای بازار با استفاده از نمودارها و با هدف پیش‌بینی آینده روند قیمت‌ها می‌باشد. رفتار قیمت همواره در تحلیل تکنیکال نقش اصلی را دارد و رفتار حجم معاملات نیز تکمیل‌کننده این اصل می‌باشند. رفتار قیمت و رفتار بازار در خیلی موارد معنای مشابهی دارند و به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### سه مبحث ابتدایی به عنوان پایه‌های مباحث منطقی تحلیل تکنیکال به شرح ذیل می‌باشند:

- 1- همه چیز در قیمت لحاظ شده است.
- 2- قیمت‌ها بر اساس روندها حرکت می‌کنند.
- 3- تاریخ تکرار می‌شود.

### همه چیز در قیمت لحاظ شده است

شاید بتوان ادعا کرد جمله «همه چیز در قیمت لحاظ شده است» پایه و اساس تحلیل تکنیکال است. تا زمانی که به درک درستی از این جمله نرسیده باشیم شاید پیشروی در یادگیری تحلیل تکنیکال کار بیهوده‌ای باشد.

یک تحلیل‌گر تکنیکال در ابتدا به این باور رسیده است که هر چیزی که بتواند در قیمت تأثیرگذار باشد اعم از فاکتورهای سیاسی، فاندمنتال، جغرافیایی و یا سایر فاکتورها در قیمت یک سهم لحاظ شده است. پس از درک و پذیرش جمله فوق به عنوان مقدمه تحلیل تکنیکال به این نتیجه می‌رسیم که تحلیل قیمت‌ها تمام آن چیزی است که ما به آن نیاز داریم.

برای اثبات عدم صحت این ادعا (که برخی تحلیلگرها نیز به آن مغرور هستند)، زمان زیادی صرف شده و نتیجه ای حاصل نشده است. همه تحلیلگران تکنیکال بر این باورند که تغییرات قیمت تابعی از عرضه و تقاضاست.

چنانچه تقاضا بیش از عرضه باشد آنگاه قیمت صعود خواهد کرد و اگر عرضه بر تقاضا پیشی گیرد قیمت کاهش خواهد یافت. این تغییرات پایه و اساس تمام پیش بینی‌های اقتصادی و بنیادی می‌باشد. برداشت تکنسین‌ها از این اصل به این صورت است که اگر قیمت به هر دلیلی بالا رفت پس باید تقاضا بر عرضه غلبه کرده و علل فاندامنتالی تأثیر خود را گذاشته باشند و چنانچه قیمت سقوط کرد دلایل فاندامنتالی و بنیادی بی اثر شده‌اند.

پس در این مبحث ما به این نتیجه می‌رسیم که یک تحلیلگر تکنیکال نیز به نوعی مباحث فاندامنتال و بنیادی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

قریب به اتفاق تحلیلگران تکنیکال بر این باورند که نیرویی که جهت عرضه و تقاضا را تغییر می‌دهد برآیند تغییرات فاندامنتال و مربوط به اقتصاد بازار می‌باشد و همین نیرو بر قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد. نمودارها هرگز به تنهایی علت بالا یا پایین آمدن قیمت نیستند.

این یک قانون است که تحلیلگر تکنیکال به هیچ وجه به دنبال یافتن دلیل تغییر جهت قیمت‌ها نیست. بیشتر اوقات در آغاز یک روند و یا در نقطه تغییر جهت قیمت از افزایش به کاهش و یا برعکس هیچ کس به طور قطع دلیل این تغییر جهت را نمی‌داند. (در واقع برای تحلیلگر تکنیکال مهم نیست که چیست و فقط بر قیمت و حجم تمرکز دارد) تحلیلگر تکنیکال به سادگی و با استفاده از الگوها می‌تواند این تغییر را به موقع شناسایی کند و پایداری آن را بسنجد.

باید در خاطر داشت، مادامی که یک تحلیلگر تکنیکی بر این عقیده باقی بماند که همه چیز در قیمت لحاظ شده است موفق خواهد شد که از بسیاری از افراد باتجربه بازار (که از این ابزار استفاده نمی‌کنند) سود بیشتری کسب کند.

پذیرش جمله «همه چیز در قیمت لحاظ شده است» به عنوان اولین قدم مساوی است با پذیرش اهمیت بررسی قیمت.

با استفاده از بررسی روند قیمت به کمک ابزارهای تکنیکی مختلف مانند اندیکاتورها، یک تحلیلگر تکنیکال می‌تواند بهترین زمان برای خرید و فروش سهم را تشخیص دهد و انتخاب کند.

یک تحلیل‌گر لزوماً نبایستی از بازار باهوش‌تر باشند و یا قادر باشد که پیش‌بینی‌های متحیرانه‌ای درباره تغییرات قیمت انجام دهد .

## قیمت‌ها براساس روندها حرکت می‌کنند

ضروری است که این مفهوم را بپذیریم که قیمت‌ها بر اساس روندها حرکت می‌کنند. در اینجا نیز تا زمانی که به باور این اصل نرسیده باشیم تلاش برای یادگیری تحلیل تکنیکال بی‌فایده است.

هدف از ترسیم نمودار قیمت، شناسایی روند و پیش‌بینی جهت حرکت این روند است، پیش از آنکه قیمت‌های آتی، روند آینده را مشخص کنند .

نظریه ثابت شده‌ای نیز وجود دارد که می‌گوید قیمت‌ها بر اساس روندها حرکت می‌کنند و یا به عبارت دیگر قیمت‌ها دوست دارند که روند فعلی خود را حفظ کنند، به جای آنکه تغییر جهت بدهند. این قانون به نوعی بیان دیگری از قانون اول نیوتن درباره حرکت است. شاید بتوان آن را این‌گونه نیز مطرح کرد که قیمت‌ها به روند فعلی خود را ادامه می‌دهند تا زمانی که عوامل بازدارنده حرکت، آنها را متوقف کند.

این قانون یکی از ادعاهای محکم تحلیل‌گران تکنیکال می‌باشد. آنها معتقدند که روندها تا زمانی که عوامل خارجی بر آنها تأثیر نگذاشته جهت خود را حفظ می‌کنند.

## تاریخ تکرار می‌شود

بخش بزرگی از مباحث تحلیل تکنیکال و مطالعه رفتارهای بازار، مشابه روانشناسی در انسان‌ها می‌باشد.

به عنوان مثال الگوهای نمودارهایی که چندسال پیش ترسیم شده‌اند دقیقاً منعکس کننده تأثیر مسائل آن دوره از نظر روانشناسی در روند قیمت‌ها هستند.

نمودارها به وضوح روانشناسی بازار را آشکار می‌کنند. از زمانی که الگوها به خوبی در گذشته عمل کرده‌اند فرض شده که در آینده نیز به همان خوبی جوابگو خواهند بود. پایه و اساس آنها اصول روانشناسی است که این امر باعث می‌شود که آنها را به عنوان اصل ثابت بپذیریم و بتوانیم به آنها اعتماد کنیم.

بیان دیگری از این موضوع این است که بگوییم : تاریخ تکرار می شود و این کلیدی است برای پیش بینی آینده از طریق تحلیل گذشته و یا اینکه بگوییم آینده چیزی نیست جز تکرار گذشته...

## مزایای تحلیل تکنیکال در برابر فاندamental چیست و چرا باید تحلیل تکنیکال را بیاموزیم؟

### 1- انعطاف پذیری و سازگاری با همه بازارها

یکی از بزرگترین نقاط قوت تحلیل تکنیکال سازگاری و تنوع آن برای انواع معاملات در ابعاد زمانی مختلف می باشد. تقریباً هیچ بازار و فضای معاملاتی وجود ندارد که نتوان این اصول را در آن به کار برد.

چارتیست به راحتی می تواند هر نوع بازاری را که تمایل داشته باشد مورد مطالعه قرار دهد، حتی اگر با دانش فاندamental او همخوانی نداشته باشد. در حالی که اغلب تحلیل گران فاندamental به علت اینکه همواره مقادیر زیادی اطلاعات و صورت های مالی برای بررسی وجود دارد که برای درک آنها باید در حد یک متخصص عمل کنند، چندان نمی توانند از جایی که هستند دور شوند.

به طور مثال با یادگیری تحلیل تکنیکال، می توانید هر زمان که خواستید سرعت از گروه خودرو به گروه دارویی سوئیچ کنید ولی یک تحلیل گر بنیادی باید ابتدا صورت های مالی بسیاری را بررسی کند تا بتواند سهام مناسب را برای خرید انتخاب نماید. تحلیل گر بنیادی با این سرعت عمل کم، بسیاری از نوسانات و سودهای بازار را از دست می دهد ولی این تحلیل گر تکنیکال است که با هوش و ذکاوت خود و البته با ابزاری سریع و انعطاف پذیر مانند تحلیل تکنیکال توانسته سود بیشتری بدست آورد.

## 2- قابل استفاده برای بازه‌های زمانی مختلف

یکی از بزرگترین نقاط قوت تحلیل تکنیکال این است که در بازه‌های زمانی مختلف کاربرد دارد. چه معامله‌گران روزانه چه معامله‌گران چند روزه و کوتاه‌مدت و چه خریداران میان‌مدت و چه افرادی که در بازه‌های زمانی طولانی مشغول به خرید و فروش می‌باشند، می‌توانند از تحلیل تکنیکال بهره ببرند در حقیقت تحلیل تکنیکال شامل زمان خاصی نمی‌شود و این سلیقه و روش کار معامله‌گر می‌باشد که در چه بازه‌ای به تحلیل پردازد.

تحلیل‌گر تکنیکی با تعیین بازه زمانی موردنظرش این را مشخص می‌کند که قصد پیش‌بینی برای چه مدت زمانی را دارد. این عقیده که برخی از افراد می‌گویند تحلیل تکنیکال صرفاً در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت کاربرد دارد اصلاً درست نیست.

این ادعا شاید ناشی از این نظریه باشد که تحلیل فاندامنتال برای پیش‌بینی بلندمدت کاربرد دارد و فاکتورهای تحلیل تکنیکی فاکتورهایی کوتاه‌مدت هستند در واقع تحلیل‌گر تکنیکال برای پیش‌بینی بازه‌های زمانی بلندمدت از نمودارهای هفتگی ماهیانه و سالیانه بسته به سلیقه خودش استفاده می‌کند و به دلیل همین تکنیک‌ها می‌باشد که این نوع تحلیل را تکنیکال می‌نامند.

## 3- تحلیل تکنیکال، میانبری است به بررسی بنیادی سهام

همان‌طور که در تحلیل تکنیکال تمرکز بر روی تغییرات قیمت است در تحلیل فاندامنتال این عوامل اقتصادی است که بر عرضه و تقاضا تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود قیمت بالا یا پایین برود و یا ثابت بماند. یک تحلیل‌گر فاندامنتال (بنیادی) تأثیر تمام فاکتورهای مربوط را بر روی قیمت سهام بررسی می‌کند تا در نهایت بتواند ارزش ذاتی آن را محاسبه کند.

ارزش ذاتی چیزی است که یک تحلیل‌گر فاندامنتال به وسیله آن نشان می‌دهد که با توجه به میزان عرضه و تقاضا واقعاً با آن قیمت ارزش دارد یا خیر. اگر قیمت سهام زیر ارزش ذاتی باشد، تحلیل‌گر فاندامنتال می‌گوید قیمت آن چیز ارزان است و برای خرید مناسب است و برعکس.

هر دو روش تکنیکال و فاندامنتال همواره سعی بر حل یک مشکل واحد دارند و آن مشکل چیزی نیست جز پیش‌بینی اینکه قیمت‌ها تمایل دارند در چه جهتی حرکت کنند. در واقع آنها از دو راه متفاوت به یک مسئله واحد می‌پردازند. یک تحلیل فاندامنتال علت‌های تغییر قیمت را بررسی می‌کند حال آنکه یک تحلیل‌گر تکنیکال تأثیرات آن را به چالش می‌کشد. تحلیل‌گر تکنیکال عقیده دارد که تغییرات قیمت تنها چیزی است که او نیاز دارد بداند و دانستن علت‌ها و دلایل این تغییرات لازم نیستند و در مقابل تحلیل‌گر فاندامنتال همواره به علت‌ها و دلایل تغییر قیمت می‌پردازد.

بیشتر معامله‌گران خود را در یکی از دو دسته تحلیل‌گران فاندامنتال و یا تکنیکال طبقه‌بندی می‌کنند. در حقیقت این دو دسته نقاط مشترک زیادی دارند. خیلی از تحلیل‌گران فاندامنتال سعی دارند مقدماتی از تکنیکال را فراگیرند و همین طور بسیاری از تحلیل‌گران تکنیکی نیز تلاش می‌کنند حداقل اطلاعاتی از مسائل فاندامنتال داشته باشند.

مشکل اصلی اینجاست که خیلی از اوقات علت‌ها و نمودارها با یکدیگر درگیر هستند. در بیشتر مواقع در ابتدای حرکت‌های مهم بازار، یک تحلیل‌گر فاندامنتال نمی‌تواند تعریف درستی برای تغییرات بازار ارایه دهد. در چنین لحظات بحرانی است که هر دو تحلیل‌گر تفاوت‌های زیادی را در برداشت‌هایشان و روند قیمت مشاهده می‌کنند و اغلب نیز همزمان با هم دلیل تغییرات را درک می‌کنند ولی گاهی برای انجام هر گونه عکس‌العمل خیلی دیر شده است.

این اختلافات ظاهری را شاید بتوان این‌گونه تشریح کرد که در واقع تغییرات قیمت باعث ایجاد دلایل پایه‌ای جدیدی می‌شود یعنی اینکه تغییر قیمت باعث می‌شود تا تحلیل‌گر فاندامنتال و فاکتورهای سنجش او حساس شوند و در حقیقت بازار دلایل جدیدی برای این تغییرات پیدا کند. در حالی که دلایل پایه‌ای قبلاً تأثیر خود را بر قیمت گذاشته‌اند و هم اکنون در بازار وجود دارند و در واقع قیمت‌ها در حال نشان دادن واکنش به دلایل پایه‌ای جدید هستند. خیلی از بازارها در گذشته با تغییرات بسیار کم و یا اصلاً هیچ تغییری در فاندامنتال شروع شده است و به مرور زمان وقتی که تغییرات دیده شده است روند جدید کاملاً در مسیرش قرار گرفته است.

بعد از مدتی تحلیل‌گر تکنیکال با اعتماد به نفس بیشتری تغییرات را در نمودارها درک می‌کند و می‌خواند. یک تحلیل‌گر تکنیکال شاید تنها کسی باشد که در شرایطی که تغییرات بازار با خرد عمومی در تناقض است احساس آرامش می‌کند و حتی از چنین موقعیتی لذت می‌برد. او می‌داند که معامله‌گران بازار به زودی با اطلاعات جدیدی که همان دلایل فاندامنتال جدید می‌باشد مواجه می‌شوند و شاید تنها او باشد که برای تصدیق محاسباتش منتظر چیزی نبوده است.

در تأیید تحلیل تکنیکال می‌توان به وضوح دید که اعتقاد یک تحلیل‌گر تکنیکال به تحلیل‌هایش به مراتب بیشتر از یک تحلیل‌گر فاندامنتال می‌باشد. اگر یک معامله‌گر مجبور باشد یکی از این دو را به عنوان روش کار انتخاب کند منطق می‌گوید که با تحلیل تکنیکال امکان رسیدن به موفقیتش بیشتر است. برای آنکه تحلیل تکنیکال در حقیقت تأثیر عوامل فاندامنتال را بررسی می‌کند و چون همیشه تأثیر فاندامنتال در روی قیمت لحاظ شده، به طور حتم بررسی فاندامنتال کاری غیرضروری است.

در واقع بررسی نمودار، میانبری است به بررسی عوامل فاندامنتال. ولی حالت عکس آن ممکن نیست. این امکان وجود دارد که بتوان در یک بازار مالی صرفاً با دانش تکنیکال خرید و فروش انجام داد ولی تقریباً بعید به نظر می‌آید که شخصی بتواند صرفاً بر اساس مسائلی فاندامنتالی و عدم بررسی قسمت تکنیکی بازار، خرید و فروش خیلی موفق انجام دهد.

## فهرست موضوعات کتاب تحلیل تکنیکال در بازار سرمایه (نوشته جان مورفی)

### 1 - فلسفه تحلیل تکنیکال

مقدمه

فلسفه یا منطق

تحلیل تکنیکال در برابر پیش‌بینی‌های فاندامنتال

انعطاف‌پذیری و سازگاری تحلیل تکنیکال

تحلیل تکنیکال و کارایی آن در بازه‌های زمانی مختلف

پیش‌بینی‌های اقتصادی

تحلیل‌گر تکنیکی یا چارتیست؟

برخی انتقادات در مورد تحلیل تکنیکال

نظریه ورود تصادفی (Random Walk)

اصول کلی

### 2 - نظریه داو

مقدمه

اصول مقدماتی

استفاده از قیمت‌های پایانی و خطوط

چند انتقاد به نظریه داو

بازار سرمایه به عنوان یک شاخص اقتصادی



### 3 - ساختار نمودار

انواع نمودارهای موجود

نمودارهای شمعی

نمودارهای حسابی در مقابل نمودارهای لگاریتمی

ساختار نمودار میله‌ای روزانه

حجم معاملات

نمودار هفتگی و ماهانه

### 4 - مفاهیم مقدماتی روند

تعریف روند

روند سه جهت دارد

روندها به سه دسته تقسیم می‌شوند

حمایت و مقاومت

خطوط روند

اصل بادبزن

اهمیت عدد سه

شیب نسبی خط روند

خط کانال

درصد تصحیح یا برگشت

خطوط شتاب





خطوط بادبزن گان (Gann) و فیبوناچی

خطوط روند داخلی

شکاف‌های قیمت (گپ)

## 5 - الگوهای مهم برگشتی

مقدمه

الگوهای قیمت

دو نوع الگو: برگشتی و ادامه‌دهنده

الگوی برگشتی سروشانه

اهمیت حجم معاملات

پیدا کردن هدف قیمت

سروشانه‌های کف یا معکوس

الگوهای سروشانه مرکب

سقف‌ها و کف‌های سه‌قلو

سقف‌ها و کف‌های دوقلو

تغییرات در الگوی ایده‌آل

نعلبکی‌ها و اسپایک‌ها



## 6 - الگوهای ادامه‌دهنده

مثلث

مثلث متقارن

مثلث افزایشی

مثلث کاهشی

الگوی (مثلث) پهن‌شونده

پرچم‌های مثلث و پرچم‌های چهارگوش

کنج‌ها

تشکیل الگوی مستطیل

حرکت موزون

الگوی ادامه‌دهنده سروشانه‌ها

تایید واگرایی

## 7 - حجم معاملات

مقدمه

حجم معاملات به عنوان یک شاخص ثانویه

جمع‌بندی اصول حجم معامله



## 8 - نمودارهای بلندمدت

معرفی

اهمیت دوره‌های بلندمدت

روندهای بلندمدت تصادفی بودن را انکار می‌کنند

از نمودارهای بلندمدت تا نمودارهای کوتاه‌مدت

آیا می‌بایست نمودارهای بلندمدت را با نرخ تورم تنظیم کرد؟

نمودارهای بلندمدت برای اهداف معاملاتی مناسب نیستند.

مثال‌هایی از نمودارهای بلندمدت

## 9 - میانگین‌های متحرک

میانگین متحرک: ابزاری انعطاف‌پذیر با تغییر زمانی

توسعه میانگین متحرک

باندهای بولینگر

استفاده از باندهای بولینگر برای تعیین هدف قیمت

اندازه‌گیری تغییرات با پهنای باند

ارتباط میانگین متحرک و چرخه زمانی

کاربرد اعداد فیبوناچی در میانگین‌های متحرک

کاربرد مانگین متحرک در نمودارهای بلندمدت

قانون هفتگی

بهینه‌سازی لازم است یا نه؟



خلاصه

میانگین متحرک تطبیق پذیر (A.M.A)

جایگزین‌های میانگین متحرک

## 10 - اسپلاتورها (نوسان گر نماها)

مقدمه

کاربرد اسپلاتورها در رابطه با روند

اندازه‌گیری جنبش

اندازه‌گیری درجه تغییرات (ROC)

ساخت یک اسپلاتور با استفاده از دو میانگین متحرک

شاخص کانال کالا (CCI)

اندیکاتور قدرت نسبی (RSI)

استفاده از سطوح 30 و 70 به عنوان اخطارهای عمومی

استوکاستیک‌ها

لری ویلیامز

اهمیت روند

چه زمانی اسپلاتورها مفیدترین کاربرد را دارند

میانگین متحرک همگرایی / واگرایی (MACD)

هیستوگرام MACD

ترکیب هفته‌ها و روزها



تاثیر اخبار فاندامنرال را بر بازار بررسی کنید

## 11 - نمودار نقطه و رقم

نمودار نقطه و رقم در مقابل نمودار میله‌ای

ساختار نمودار میان‌روزه نقطه و رقم

شمارش افقی

الگوهای قیمت

نمودارهای سه واحد برگشتی نقطه و رقم

ساختار نمودار سه واحد برگشتی نقطه و رقم

رسم خطوط روند

تکنیک اندازه‌گیری

تاکتیک‌های معامله

فواید نمودارهای نقطه و رقم

شاخص‌های تکنیکی نمودارهای نقطه و رقم

رسم کامپیوتری نمودار نقطه و رقم

میانگین متحرک‌های نمودار نقطه و رقم

## 12 - نمودارهای شمعی ژاپنی

نمودارهای شمعی



نمودارهای شمعی مقدماتی

تحلیل الگوهای شمعی

الگوهای دنباله‌دار

الگوهای شمعی فیلترشده

### 13 - نظریه امواج ایبوت

تاریخچه

اصول اولیه امواج ایبوت

ارتباط بین امواج ایبوت و نظریه داو

موج‌های تصحیح‌گر قانون تناوبی

کانالیزه‌شدن (کانال بندی)

موج چهارم مانند یک سطح حمایت

اعداد فیبوناچی پایه و اساس موج

نسبت‌های فیبوناچی بازگشت‌ها

هدف‌های زمانی فیبوناچی

ترکیب سه جنبه نظریه موج

جمع‌بندی و نتیجه

### 14 - چرخه‌های زمانی

چرخه‌ها



چگونه مفاهیم چرخه به درک تکنیک‌های نموداری کمک می‌کنند.

چرخه‌های حاکم

ترکیب طول دوره چرخه‌ها

اهمیت روند

حرکت انتقالی به چپ و راست

چگونه چرخه‌ها را مجزا کنیم

چرخه‌های موسمی

چرخه‌های بازار سرمایه

چرخه ریاست جمهوری

ترکیب چرخه‌ها با دیگر ابزارهای تکنیکی

تحلیل بیشترین بی‌نظمی طیفی

## 15 – کامپیوترها و سیستم‌های دادوستد

بعضی نیازهای کامپیوتر

گروه‌بندی ابزارها و شاخص‌ها

استفاده از ابزارها و شاخص‌ها

سیستم‌های سهمی‌وار و حرکت هدایتی ولس و یلدر

مزایا و معایب سیستم‌های دادوستد

نتیجه‌گیری



## 16 - مدیریت مالی و تاکتیک‌های معامله

سه عنصر اساسی برای معامله موفق

مدیریت مالی

معاملات متوالی: باقی‌ماندن در روند یا تکرار معاملات

بعد از دوره‌های سود یا ضرر چه باید کرد

تاکتیک‌های معامله

ترکیب عوامل تکنیکی و مدیریت مالی

انواع دستورات معاملاتی

از نمودارهای روزانه تا نمودارهای تغییرات میان‌روز قیمت

استفاده از نقاط محوری نمودارهای میان‌روز

خلاصه‌ای از مدیریت مالی و اصول راهنمای معامله

استفاده در بازار سهام

تخصیص وجه (تقسیم‌بندی سرمایه)

مدیریت حساب مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری سهام

## 17 - شاخص‌های بازار سرمایه (مربوط به آمریکا)

اندازه‌گیری پهنای بازار

مقایسه شاخص‌های بازار

خط پیشرفت - پسرقت (AD)





واگرایی خط پیشرفت - پسرقت (AD)

خط AD هفتگی و خط AD روزانه

تغییرات در خط AD

اسیلاتور مک‌لان

بالاهای جدید - پایین‌های جدید

حجم معامله صعودی در مقابل حجم معامله نزولی

شاخص آرمز (The ARMS INDEX)

شاخص TRIN در مقابل TICK

صاف کردن شاخص آرمز

آرمز باز (OPEN ARMS)

نمودار حجم تعادلی

نتیجه‌گیری

## 18 - جمع‌بندی مباحث و خلاصه مطالب

خلاصه مباحث تکنیکال

چگونه تحلیل‌های تکنیکلی و فندامنتالی (بنیادی) را با هم هماهنگ کنیم؟

تحلیل‌گر تکنیکلی مجاز بازار

نام‌های مختلف تحلیل تکنیکال

و در انتهای کتاب نیز پیوست‌ها قابل مطالعه است.



حتما در بورس تهران مشاهده کرده‌اید که گاهی اوقات بیشتر معامله‌گران از گروهی خاصی به گروهی دیگر سوئیچ می‌کنند و اصطلاحا نقدینگی به سمت گروهی دیگر هدایت می‌شود. حال در این وضعیت آیا تحلیل‌گر بنیادی می‌تواند به سرعت در گروه پیشرو بازار وارد شود؟ مسلم است که خیر، چون تحلیل بنیادی غیر از اینکه به اطلاعات زیادی در زمینه صنعت مربوطه، حسابداری و بررسی صورت‌های مالی و... نیاز دارد، بسیار وقت‌گیرتر از تحلیل تکنیکال نیز می‌باشد.

ولی برای تحلیل‌گر تکنیکال هیچ فرقی نمی‌کند سهامی که می‌خواهد وارد آن شود در چه صنعتی قرار دارد. تحلیل‌گر تکنیکال فقط به نمودار قیمت نگاه می‌کند و با استفاده از دانش نوینی که در اختیار دارد، در زمان بسیار کمتری سهم برتر گروه پیشرو را شناسایی می‌کند و وارد آن می‌شود.

با یادگیری تحلیل تکنیکال می‌توانید هر زمان که خواستید سرعت از گروه خودرو به گروه دارویی سوئیچ کنید ولی یک تحلیل‌گر بنیادی باید ابتدا صورت‌های مالی بسیاری را بررسی کند تا بتواند سهام مناسب را برای خرید انتخاب نماید.

تحلیل‌گر بنیادی با این سرعت عمل کم، بسیاری از نوسانات و سودهای بازار را از دست می‌دهد ولی این تحلیل‌گر تکنیکال است که با هوش و ذکاوت خود و البته با علمی سریع و انعطاف‌پذیر مانند تحلیل تکنیکال توانسته سود بیشتری بدست آورد.

در نهایت، نتیجه‌ای که با آموختن تحلیل تکنیکال نصیب شما می‌شود این است که سودهایتان در بازار افزایش می‌یابد و ضررهایتان را جبران می‌کنید.

کتاب تحلیل تکنیکال در بازار سرمایه (جان مورفی) یکی از کامل‌ترین کتاب‌ها در زمینه آموزش تحلیل تکنیکال است.

مباحث پراکنده تحلیل تکنیکال را کنار بگذارید، این کتاب آموزش تحلیل تکنیکال را از مفاهیم مقدماتی آغاز می‌کند و مرجعی قابل اطمینان و کامل برای یادگیری تحلیل تکنیکال می‌باشد.



با پولی که قصد دارید این کتاب را بخرید شاید فقط بتوانید یک وعده فستفود تهیه کنید. ولی آیا یک وعده فستفود برای شما مهمتر است یا یادگیری علمی کاربردی و سودآور؟

لینک سفارش این کتاب:

<http://shop.bourseiness.com>

